



محمود را مجبور نموده به طرف هندوستان فرار نماید. همچنان خدماتی نظامی موصوف در قندهار، غزنی، ننگرهار و نورستان نقش او را برای استحکام سلطنت امیر عبدالرحمن خان به خوبی میسرساند.

چنانچه سپه سالار غلام حیدر خان هنگامیکه سپه سالار ترکستان بود؛ به امر امیر عبدالرحمن خان برای دفع و سرکوبی شورشیان شنواری که هر گاه و بیگاهه اوفال را تاراج مینمودند به خصوص در این وقت نورمحمد خان پسر سردار ولی محمد خان با دو نفر دزد معروف از طایفه صالح خیل موسوم به سادو و دادو که با شنواری ها همدست شدند و قوت حریبه آنها تقریباً "به پانزده هزار نفر رسیده بود. بنابراین امیر سه فوج پیاده نظام و یک فوج سواره نظام و دو باطری توپخانه را به سرکردگی جنرال غلام حیدر خان به جنگ آنها فرستاد. این جنگ که چهار منطقه چون حصارک، آپین و منکو و منگوخیل صورت گرفت شورشیان شکست خوردند و به هدایت امیر عبدالرحمن خان؛ از کشته هایشان دو کله منار ساختند تا عبرت دیگران باشد.

همچنان در سرکوبی شورش گلجایی ها "اولا" سکندر خان برادر غلام حیدر خان چرخي فرستاده شد و بعداً "غلام حیدر خان چرخي را فرستاد که بنا بر بیان امیر عبدالرحمن خان؛ شورشیان از بین رفته و موصوف را به رتبه نایب سالار که مقام عالی بود رسانید. و اضافه مینماید زمانی که جنرال غلام حیدر خان بعد از این فتح معظم خود به کابل مراجعت نمود و او را به رتبه نایب سالاری ارتقا داد و به جهت خدماتش نشان الماس به او اعطا نمود و نیز تعدادی زیادی از افواج کابل را به سرکردگی پروانه خان محض افتخار به استقبال او فرستاد به این قسم اشکالات

### سپه سالار غلام حیدر خان چرخي

از تاریخ تولد غلام حیدر خان چرخي سندی در دست نیست. یقیناً " پدرش ملک صمد خان در سال ۱۸۴۱-۱۸۴۲ م در قیام کابل؛ علیه انگلیس دوشادوش نایب امین الله خان لوگری بوده است. همین مناسبات سبب نزدیکی سپرش غلام حیدر خان با امرایی بارکزایی گردیده است. روی این منظور سپه گیری فعال غلام حیدر خان چرخي و برادرش سمندر خان چرخي که در رأس مجاهدین و مبارزان دو هزار نفری ولایت لوگر قرار داشت برجسته تر میباشد. این دو برادر قوای انگلیس را به روز سه شنبه مؤرخه ۲۳ دسامبر ۱۸۷۹ م = دوم جدی ۱۲۵۸ هـ ش در قلعه شیرپور شهر کابل در پهلوی میرپچه خان کوهستانی، ملا مشک عالم و محمد جان وردک و یک عده ای دیگر، مورد هجوم و شکست قرار دادند. اما بعد از آنکه عبدالرحمن خان در جولای ۱۸۸۰ م «امیر» شد اکثریت مبارزان وطن مقهور پادشاه گردیدند. از جمله محمد جان وردک را در مزار شریف تبعید و به قتل رسانید. میرپچه خان اولاً "به ننگرهار و متعاقباً "به هرات و با سردار ایوب خان به هند رفت و تا زمان امیر حبیب الله که اعلان عفو نمود به افغانستان برگشت و در قریه بابه قشقار زندگی عادی را پیشبرد و در همانجا وفات نمود. و ملا دین محمد مشهور به ملا مشک عالم را با جمعی غفیری از قوم اندری قتل عام نمود و در کابل کله مناری از آنها ساخت.

یگانه مبارز با وجود که مورد عفو انگلیس قرار نداشت؛ اما مورد تایید امیر عبدالرحمن خان قرار گرفت. سپه سالار غلام حیدر خان چرخي پسر عبدالصمد خان یوسفزایی بود که به مراتب بزرگ نظامی رسید و خدمات مهمی برای وطن انجام داد. غلام حیدر خان در سال ۱۸۷۸ م در عهد امیر شیر علی خان شامل خدمت دولتی شد و به شغل قومندان نظامی قوای کابل در مرکز را داشت و بعداً در زمان حکومت امیر محمد یعقوب خان به صفت قومندان قوای سرحدی افغانی در علی مسجد و طیفه داشت. در زمان امیر عبدالرحمن خان اولین اقدام نظامی سپه سالار در سال ۱۲۹۹ هـ ق = ۱۸۸۲ م؛ سرکوبی شورش سید محمود کنزی داماد وزیر محمد اکبر خان بود.

بنابر گفته امیر عبدالرحمن خان در تاج التواریخ؛ پس از فتح قندهار به کابل مراجعت کرده بودم. لهنذا غلام حیدر خان چرخي سپه سالار خود را با عبدالغفور خان مأمور داشتیم با سید محمود جنگ نمایند. سپه سالار در میدان جنگ از اسب افتاد پایش شکست، ولی عساکر شجاع من مشغول جنگ بودند تا سید

دهانه نورستان تمدید کرده بود به مردم نورستان ابلاغ کرد که هدف دولت فقط تمدید راهی از بین نورستان تا بدخشان است و بس، و متعاقباً "خود با قشون خویش وارد نورستان شد. قشون چهار هزار نفری او با پانزده روز آذوقه به چهار ستون به استقامت کامدیش، کوردیش، بتی گل و بزرگل مارش نمود و خودش پای پیاده در محل رود کوردیش، کوهی را عبور کرد. در این جا مردم نورستان دودسته شدند؛ دسته بی اطاعت سپه سالار را پذیرفتند و عده دیگر به دفاع برخاستند. از آنجمله مردم بزرگل مساکن خویش را گذاشته به کوه ها برآمدند. قسمتی از آنها بعد از یک تصادم مختصر، دست از جنگ کشیدند. سپه سالار داخل دره کموز شد و روسای کموز با مردم آن انقیاد نمودند و دین اسلام پذیرفتند. و توانستند یک جاسوس انگلیس را با چهار نفر همدستان محلی، از میان خویش بیرون کشیدند که مردم را به اطاعت انگلیس و ضدیت امیر ترغیب مینمودند. بعداً "کامدیش و بتی گل و منده گل فتح شد. مردم که به کوه ها فرار نموده بودند از روش سپه سالار آگاه شده دوباره مراجعت نمودند شدید ترین جنگ که بین دو طرف صورت گرفت همان جنگ کلوم بود که تلفات قشون دولت دوصد نفر بود. اما سپه سالار به شدت مشغول تمدید راه او و ساختن پل بود. بت خانه ها را برانداخت و به اعمار مساجد پرداخت. هشتاد نفر معلمین مذهبی از کابل، کاپیسا، لوگر و پروان خواست تا به تعالیم دینی و مذهبی بپردازند. همچنان مساحت اراضی را قسماً "انجام داد. و مردم آنجا مکلف گردیدند تا دوازده هزار و چند صد روپیه مالیه زمین و چهل "یک" مالیات مواشی بپردازند. همچنان سپه سالار مانع فرستان جنرال تاج محمد خان قومندان بدخشان گردید که به امر امیر عبدالرحمن خان علیه سفید پوشان که هنوز مسلمان نشده بودند؛ گردید. در این حملات همچنان دسته سه هزار نفری محمد علی خان و کیلی سیغانی و محمد صدیق خان حاکم تگاو و عبدالمجید خان حاکم پنجشیر که از طرف امیر به راه پنجشیر مستقر بودند نورستان سوق شده بودند موضع کورپتو را گرفتند و تلفات بیشتری دادند. این نبرد هشت ماه طول کشید و بیشتر از ۲۲۹ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی و ۵۰ نفر در کورکتل باندول در اثر شدت برفباری تلف گردیدند. به این صورت الحاق کافرستان یا بلور تکمیل گردید و نام نورستان به خود گرفت.

در آرشیف ملی فرمان امیر عبدالرحمن خان؛ که در مورد بغاوت جدید الاسلام علاقه کانتوری نورستان موجود است که بعضی آنها کشته شدند و در حدود سه هزار تن آنها به جنرال فرار کرده اند.

نویسنده: استاد شاه محمود محمود

### محمد ابراهیم کمیدان

محمد ابراهیم چي کمیدان باندې مشهور، د خپلو اکي په لاسته راوړلو کي يې ډيرې مبارزې او مجاهدې کړې دي. مير غلام محمد غبار په خپل تاريخ «افغانستان در مسير تاريخ» کي ليکلي چې دې په يوه بزگړه کورنۍ کي زيږيدلی دی، پلاري يې بازمير نو میده. محمد ابراهیم د لوگر ولایت په بورگ کي زيږيدلی، نيکه يې ميرگل له پکتيا ولایت څخه دغي سيمي ته را کوچيدلي او ميشت شوی دی. محمد ابراهیم لومړنۍ زده کړې په خپل کور او کلي کي وکړې، چې د دوی د ځمکي پر حاصلاتو گوزاره نه کیده، نو لومړي يې مشر ورور عبدالصمد خان کابل ته لاړ او هلته په پوځ کي شامل شو. محمد ابراهیم د خپلو اکي په لاسته راوړلو کي د پکتيا په جبهې کي قوماندان ؤ، چې خوراپه ميرانه يې مبارزه وکړه، د خپلو اکي ترلاسته راوړلو وروسته يې د ټولنيزو چارو کي زياته برخه واخيسته چې دوخت حکومت هم وخت پروخت نازولی اوله همدې امله د کنگو پ مشرۍ ته ورسيده. ښاغلي محمد ولي زلمی «زمور غازیان» کي د محمد ابراهیم په اړه ليکلي: محمد ابراهیم يو وطن دوست او پر ملي نوايسوسمين شخصيت ؤ او دا عليحضرت غازی امان الله خان د اصلاحي پروگرامونو سره يې تر حده زياته علاقمندې او وفا نیکاره کوله او د وطن دروشنفکرانو او اصلاح طلبانو سره يې د نږدې علايق او مناسبات ساتل او د افغان ځوانانو غړيتوب يې حاصل کړی ؤ.

محمد ابراهیم احمدزی د گډو ملاياملعبدالله د اغتشاش داوږپه وړلو کي فعاله ونډه اخیستې او دغه خدمت په مکافات کي د غونډو مشرۍ رتبې ته ورسيده. محمد ابراهیم بيلابيل پوځي خدمتونه تر سره کړي همدی اونوره يوادپال ؤ، چې په پکتيا کي يې د گډو ملا راوړوله منځه يوړ او هيواد ته يې بشپړه سوله او آرامي راوسته محمد ابراهیم د پوځي کارخاني قومندان په توگه هم دنده تر سره کړې، د سقاي اوږدوپه غلي کولو اوله منځه وړلو کي يې هم فعاله برخه واخیسته او په دغه لړ کي يې په جنوبي جبهه کي له غازي محمد نادر خان سره اوږدو مبارزه وکړه. د ملي مبارزينو د هلو ځلو اومندوترپورکت ؤ، چې هيواد نجات وموند او د پرمختگ پروان يې ورو ورو بيا خپل کامونه واخيستل، پل يې ځکه ورو ورو پورته کاوه چې هسي نه

حسودان او کينه گريباو سره رځه ونه کړي او د پرمختگ په لار د مبارزينو څخه يوه همدا محمد ابراهیم کمیدان ؤ، چې د خپلو ښو ځود متونوله برکنسه د تهورنجرالۍ رتبې ته ورسيد او لومړۍ يې د حربي ښوونځي د قومندانۍ



غازي محمد ابراهيم خان فرقه مشر احمد زلمی -

د مرستيالی دنده او وروسته د قومندانۍ دنده پرمخ بيوله دغه ملي مبارز د ۱۳۱۲ ل کال د ليندۍ په مياشت کي له دې نړۍ سترگي په کابل کي پټې کړې، جنازه يې لوگر ته يوړل شوه اولهله په خپله پلرنۍ هدیره کي خاورو ته وسپارل شو.

### استقلال افغانستان ثمره جانبازی ها و فداکاری ...

به هر حال دوره کوتاه شاه امان الله خان و جوانان افغان طلایه دار استقلال و آزادی کشور ما محسوب میگردد. با صراحت باید اظهار کرد تا زمانیکه خود افغان ها به خصوص نیروهای سیاسی افغانی به مثابه ادامه دهنده گان راه و رسم اجداد و نیاکان خویش به دور ارزش های تاریخی و ملی مانند استقلال و نامت ارضی متحد نگردند و با مراجعه به مثال های روشن تاریخی راه حل سیاسی و صلح آمیز را برای کشور خویش مشترکا ندارد نمایند هیچ کشوری نمیتواند برای مسئله افغانستان یک راه حل از پیش ندارد شده را ارائه نمایند. این افغان ها و نیروهای سیاسی افغانی اند که باید برای ختم جنگ و تامین صلح در کشور بر یکدیگر اعتماد نموده و مشترکا به جستجوی راه حل عادلانه و صلح آمیز نایل گردند. مردم افغانستان دشواری های زیادی را سربری نموده اند ولی پرابلم های که در حال حاضر دامنگیر جامعه ماست به مراتب بزرگتر و پر اهمیت تر از گذشته هاست. جنگ های اول و دوم جهانی که از لحاظ ویرانی ها گشت و گشتارها در تاریخ بشریت بی سابقه بود جمعا در حدود (۹) سال در بر گرفت اما جنگ مصیبت بار کنونی افغانستان (۴۱) سال است که روح و روان مردم افغانستان را می آزارد همه خانواده های افغان به نحوه از آنها بطور مستقیم یا غیر مستقیم اثرات و پیامد های ناگوار جنگ را احساس مینمایند.

کشور ما زخمهای خونین را از جنگ برداشته و نیروهای هنگفتی مادی و بشری را از دست داده است. ادامه دهنده گان جنگ و نیروهای که بر فشار نظامی اسراری می ورزند باید درک نموده که دیگر جنگ نه تنها کوچکترین مسئله را حل نمیکند بلکه ملت آزاد، مستقل و واحد افغان را را با گذشت روز روز تضعیف نموده و بسوی تجزیه و نابودی میکشاند همانطوریکه جنگ در طول (۴۱) سال اخیر قادر به حل یک پرابلم کوچک نگردیده است. در آینده نیز نخواهد توانست حتی یک مسئله کوچک را حل نماید. یگانه راه تامین صلح در کشور و استقرار ثبات مطمئن در افغانستان گذر بدون پیشرفت ها و معافهت کاری ها برای حل سیاسی است و بس؛ در حال حاضر که جنگ طولانی شده و ابعاد تباه کن به خود اختیار نموده است. نشستن در ترصد و خود داری از ایفای سهم مربوط به خود از جانب نیروهای سیاسی و شخصیت های مؤثر در تسریع حل سیاسی مسئله افغانستان جفای بزرگ به ضد کشور و خیات ملی بشمار میروند. ما در حالیکه خدمت به انسان هموطن خود را برای یک لحظه فراموش نمیکنیم. ما مردم لوگری با تمام نیرو از استقلال، تمامیت ارضی و همه ارزش های مشترک مادی و معنوی وطن خویش دفاع مینماییم.

هموطنان شرافتمند، افغان های غیور و با شهامت! حفظ استقلال این میراث کبریا اجداد و نیاکان ما که برای حصول آن خون های زیادی ریخته شده و قربانی های بی شماری صورت گرفته است در این بره حساس زمانی وظیفه جدی ما و شماست یک بار دیگر درایت و اراده ملی اجداد و نیاکان خویش را بخاطر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور تبارز دهیم استقلال امانت گرانهای هر یک ماست. افغان ها در طول تاریخ هیچ گاه و هرگز آزادی و حریت خود را در آزادی هیچ چیز در معرض معامله نگذاشته است، به باری خداوند متعال از گوره راهی مشکلات و دشواری های کنونی عبور خواهیم کرد و سر انجام همه ما به منزل مقصود که آرزوی ما صلح سراسری کشور است خواهیم رسید. هموطنان شرافتمند بیایند! که بخاطر خون پاک تمام افغان های که در راه حق و عدالت، آزادی و استقلال جان شیرین خود را از دست داده اند به دربار خداوند (ج) نایش کنیم که به این بنده گان خود لطف و مرحمت خود را ارزانی داشته و گلیم جنگ، خونریزی، تباهی و بر باد ی را از سر زمین افغان ها برچیند. آمین یارب العالمین!

### شاه امان الله خان او د افغانستان خپلواکي

لکه څنگه چې جوته ده، خپلواکي د خلکو ژوند دی. خلکو د خپلواکۍ لپاره د ژوند بله هره توبنه بابيزه گڼلي او خپلواکۍ ته يې لومړيتوب ورکړی دی. هغه ملتونه چې خپلواک ژوند خوښوي په تاريخ کې نه مري او تل ژوندي وي. کله چې په کابل کې د افغانستان د خپلواکۍ اعلان وشو افغانانو خپلواکۍ په خوښيو بدرگه کړه او هر ډول سربښدنې ته چمتو شول. رځئ؛ په دې اړه د تاريخ په يوه پاڼه را وچوو. د ۱۲۹۸ کال د زمري ۲۸ مه، د افغانستان د خپلواکۍ د بېرته اخیستو ورځ ده. له نن څخه پوره سل کاله وړاندې پر همدې ورځ د خپلواکۍ د بېرته اخیستو ويارلي ورځ د افغانانو لپاره ډېر ارزښت درلود. په ۱۲۹۸ کال د زمري په ۲۸ مه چې د ۱۹۱۹ د اگست په ۱۹ سره برابره ده، د افغانستان پاچا غازي امان الله خان د بریتانوې حکومت څخه خپلواکي بېرته واخیستله او افغانستان د يوه خپلواکه هېواد په توگه په رسمیت وپيژندل شو. غازي امان الله خان چې يو متمدن، با تدبيره، په وطن او خلکو مين او ترقي پسند شخصيت ؤ، د هېواد پرمختگ او آيادي يې ستر آرمان او شعار ؤ، چې د امانې دورې اصلاحات او ريفورمونه يې ژوندي مثالونه دي. د افغانستان لپاره د غازي شاه امان الله خان خدمتونه په ځانگړې ډول د هېواد د پرمختگ په برخه کې د قدر وړدي، چې بايد و ستايل شي. غازي امان الله خان په خلکو غږ وکړ، چې د زمري ۲۸ مه ملي خپلواکۍ او آزادی، د ورځي په نوم ولمانځي. د غازي شاه امان الله خان دغه ستره کارنامه افغانستان ته په خپل مهم جغرافيايي او استراتیژيک موقعيت کې لا نور هم سياسي او اقتصادي اعتبار ورپه برخه کړ. وياړم چې د گران هېواد لرغوني افغانستان د خپلواکۍ او آزادی د بېرته اخیستلو دلاري شهيدانو او غازیانو روح ته او هغو کسانو ته، چې په دغه ديني او ملي جهاد او مبارزه کې په صداقت، ايماندارۍ، او ايثار سره په ښکاره برخه درلوده زيات درود او دعا استوم. همداراز د خپل د زړه له کومې هيلې هغو احساسو او دردمنو زړونو ته چې د هېواد د سرلوړۍ او د افغان ولس دنیکمرغۍ او همداسې د باتورو او قهرمانو پلرونو او نيکونو په لار او هيلو حرکت کوي او دغه موخو او هدف ته

رسيدل د خپل ديني او ملي وجيبه جزء گڼي وړاندې کوم. دا ؤ د هېواد د خپلواکۍ د بېرته اخیستلو او د هغه شهيدانو، غازیانو او اتلاشو لنډ بېر او کارنامې چې نن تاريخ او هرافغان چې د پلرونو او نيکونو افغاني وينې او د ښکلي لرغوني افغانستان او توريالي غيرتمن ولس سره مينه د دوی په رگونوکي بهيږي، پرې وياړو. په دې توگه نن له هروخت نه زيات د اصيل او هېواد پالو افغانانو ايثارو فداکارۍ، ملي پخلاينې، ملي پيوستون او حرکت ته اړتيا ليدل کيږي، چې سره يو شي، يو بل ته لاسونه ورکړي، چې د پرديو او اجنبیانو لاسونه زموږ له هېواده لڼد شي او افغانان د ملي يوالي په مرسته خپل هيواد، ملي نظام او سيستم جوړ کړي. ويجاړه هېواد زموږ نه غواړي او موږ باندی غږ کوي، چې افغانانو ستاسو گوربم وړانديو ته مې پرې نږدئ. نور رځئ؛ هېوادوالو، چې لاسونه سره يو کړو او د گران افغانستان لپاره چې زموږ د افغانانو گډ کور دی، په گډه يې ودان او جوړ کړو.

ليکنه: بصير ه شجاع «ستانگزی»

